

دکتر الین فیلیپس، مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس، جلسه ۲، تمرکز بر باستان‌شناسی

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر الین فیلیپس و تدریس او در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس هستم. این جلسه دوم، تمرکز بر باستان‌شناسی است.

خب، در اینجا به معرفی جغرافیای تاریخی می‌پردازیم.

فقط یادآوری می‌کنم که در سخنرانی قبلی‌مان، زمین و پیامدهای آن را بررسی کردیم. بعداً بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. در مورد متون صحبت کردیم.

ما به طور خلاصه خود را با توپونومی (جایشناسی) آشنا کردیم. اکنون، ایده این است که کمی از آنچه در مورد باستان‌شناسی می‌دانیم را باز کنیم. باستان‌شناسی، البته به معنای مطالعه چیزهای باستانی است یا از همان گرفته شده است (archaic) کلمه باستانی.

خب، ما داریم درباره آثار باستانی صحبت می‌کنیم. این مکان خاص یکی از چشمگیرترین مکان‌ها در سرزمین اسرائیل است. شما آن ستون‌های عظیم فروریخته و برخی سرستون‌ها را که به سبک قرن‌های هجدهم و نوزدهم بسیار زیبا تزئین شده‌اند، اینجا خواهید دید.

اتفاقاً اینجا محل بیت شان است. بنابراین، کمی وقت صرف خواهیم کرد تا آنچه را که باید در مورد باستان‌شناسی بدانیم، بررسی کنیم. من شما را تشویق می‌کنم که یک دوره کامل باستان‌شناسی را بگذرانید و کتاب بخوانید، زیرا این تازه آغاز کار است.

در مورد شروع، به ما ایده‌ای از اینکه قرار است در یک ساعت آینده به کجا برویم بدهید تا بتوانید بفهمید که موضوع چیست. ما باید به برخی از مباحث مقدماتی بپردازیم. باید در مورد تعاریف برخی از اصطلاحاتی که بارها و بارها خواهید شنید یا بارها و بارها خواهید خواند صحبت کنیم. خب، منظور آنها چیست؟ ما می‌خواهیم در مورد، خب، مروری بر دوره‌های زمانی و تأثیر آنها بر درک ما از متن کتاب مقدس و تحولات تاریخی صحبت کنیم.

و سپس می‌خواهیم در مورد مزایا و همچنین محدودیت‌های باستان‌شناسی صحبت کنیم، زیرا چیزهایی وجود دارد که می‌توانیم بگوییم و چیزهایی که باید مراقب باشیم از بیان آنها خودداری کنیم، بر اساس داده‌های باستان‌شناسی‌مان. این ما را به نگاهی مختصر به انواع رویکردهایی که باستان‌شناسان استفاده می‌کنند، آنچه در گذشته استفاده شده است، آنچه که به دنبال آن هستند و انواع روش‌هایی که هنگام حضور در میدان استفاده می‌کنند، می‌رساند. بنابراین، در اینجا نیز بررسی مختصری از آن ارائه شده است.

و چگونه به برخی از این چیزهایی که، همانطور که اشاره کردم، موضوعات داغ بوده‌اند، نگاه کنیم. متوجه رنگ صورتی داغ در آنجا برای موضوعات داغ خواهید شد. اینها مورد بحث هستند، هنوز هم بسیار مورد بحث هستند.

بنابراین، ما قطعاً به این موضوع خواهیم پرداخت که این موضوع چه نامیده می‌شود. برخی آن را باستان‌شناسی کتاب مقدس نامیده‌اند، اما برخی دیگر اصرار دارند و می‌گویند نه، بنابراین باید آن را باستان‌شناسی سوری-فلسطینی بنامند. اگر وقت داشته باشیم، کمی در مورد آن توضیح خواهیم داد.

و سپس مورد دوم و سوم به نوعی با هم پیش می‌روند. در مطالعات کتاب مقدس تمایلی وجود داشته است که درک ما از تاریخ کتاب مقدس را مورد بازنگری قرار دهد و این مستقیماً به باستان‌شناسان و نحوه برخورد آنها با تحولات زمانی که می‌بینیم، کمک می‌کند. بنابراین ما سعی خواهیم کرد که آنها را نیز کنار هم قرار دهیم.

با این حال، تمرکز اصلی ما روی دو مورد اول خواهد بود. تعاریف برای شروع. بله، خود کلمه به معنای مطالعه چیزهای باستانی، آثار باستانی است.

ویلیام دور گفته است مطالعه علمی بقایای مادی زندگی و فعالیت‌های گذشته بشر. و این واقعاً یک تعریف فشرده نسبتاً مناسب است. در این مرحله، علمی بودن مهم است.

قبلاً اینطور بود که جستجو برای یافتن این چیزها خیلی علمی نبود، اما حالا مردم هنگام مطالعه زندگی و فعالیت‌های انسان‌های گذشته بسیار دقیق‌تر عمل می‌کنند. بدیهی است که این موضوع مستقیماً به کاری که ما هنگام انجام جغرافیای تاریخی انجام می‌دهیم، کمک می‌کند. تعریف دیگری که باید ذهنمان را با آن آشنا کنیم، کلمه «گفتن» است.

گاهی اوقات، می‌بینید که با یک «ل» و گاهی با دو «ل» نوشته می‌شود، اما ما در مورد یک تپه مصنوعی صحبت می‌کنیم، و این تپه‌ای است که نمایانگر یک مکان خاص است. شما در سراسر جهان هنگام باستان‌شناسی تپه ندارید، اما در اسرائیل دارید، و من سعی می‌کنم روشن کنم که چرا این درست است. بنابراین وقتی می‌گوییم تپه مصنوعی، اما همین الان شما را ترک می‌کنم، خوشحال باشید، ما دوباره به آن برمی‌گردیم.

فعالاً، فقط بدانید که این یک تپه مصنوعی است. به مرور زمان، همانطور که اصول توپولوژی ما را به خاطر دارید، ساخته شده است: شما باید آب داشته باشید و باید قابلیت دفاع داشته باشید. بنابراین فرض کنید که یک مکان تخریب می‌شود، قرار است در همان منطقه بازسازی شود، دیوارها در همان منطقه بازسازی می‌شوند، آوارها را می‌گیرند، اما به آرامی در طول هزاره‌ها و دوره‌های زمانی به سمت بالا رشد می‌کند.

بنابراین، به هر حال، دوباره، کمی بعد با جزئیات بیشتر به آن برمی‌گردیم. این داستان‌ها، یا یک داستان، از تعدادی لایه از سکونتگاه تشکیل شده است. بنابراین، لایه، مفرد، لایه‌ها، جمع، لایه یا لایه‌هایی است که تاریخ آن مکان را تشکیل می‌دهند.

بنابراین با در نظر گرفتن آنچه که لحظه‌ای پیش گفتم، اگر مکانی داشته باشید و دشمنی از راه برسد، آن را، ویران می‌کند، مردم دوباره گروه‌بندی می‌کنند، دیوارها را بازسازی می‌کنند، سکونتگاه‌ها را بازسازی می‌کنند گاهی اوقات از وسایلی دوباره استفاده می‌کنند، اما لایه‌های جدیدی از چیزها را نیز به همراه می‌آورند، ممکن است لایه‌های جدیدی از فناوری‌ها یا انواع جدیدی از چیزهایی را که به عنوان ابزار، مانند سفال استفاده می‌کنند، به همراه بیاورند، و بنابراین می‌توانید ببینید که چگونه لایه‌ها انواع مختلف سکونتگاه‌ها را در طول قرن‌ها نیز نشان می‌دهند. افرادی که این موارد را مطالعه می‌کنند، چینه‌شناسی انجام می‌دهند و منظور ما از آن، صرفاً اشاره به این است که چگونه این چیزها به یکدیگر اضافه شده‌اند. مطالعه تجمع زباله‌های خاک، معمولاً سفال، آوار ساختمان و سایر مواد موجود در زمین در ارتباط با زمینه آن.

و دوباره، ما با جزئیات بیشتری در مورد نحوه مطالعه لایه‌های چینه‌شناسی صحبت خواهیم کرد. اینها تعاریفی هستند که می‌خواهیم بدانیم و به نوعی در جیب پشتی خود داریم. حالا، بیایید کمی با یک عکس جلو برویم.

اگر به آن نگاه کنید، و اگر واقعاً با دقت نگاه کنید، چندین نکته وجود دارد که می‌خواهید به آنها توجه کنید. اول از همه، می‌توانید شواهدی از حفاری را در این نقطه ببینید، اما چیزی که واقعاً می‌خواهم روی آن تمرکز کنید تفاوت بین این خط و آن یکی است، زیرا این افق کوچک را می‌بینید، فکر می‌کنم می‌توانیم آن را بنامیم پشت آن یک تپه طبیعی است، و تعداد زیادی از آن تپه‌های کم ارتفاع طبیعی وجود دارد. بعداً در مورد اینکه است، زیرا می‌بینید وقتی چیزهایی Et-tell چرا این درست است صحبت خواهیم کرد، اما این خط مصنوعی در بالا تخریب می‌شوند، جاذبه کار خود را انجام می‌دهد و باعث می‌شود این آوار به نوعی از آن شیب سرازیر شوند.

کمی بعدتر در مورد نحوه بررسی‌های باستان‌شناسان بیشتر صحبت خواهیم کرد. آنها حتی ممکن است به جایی برسند که در برخی از این مناطق حفاری نکنند، بلکه به سادگی در اطراف این شواهد قدم بزنند؛ می‌توانید یکی را تشخیص دهید، ببخشید، می‌خواستم از این جناس اجتناب کنم، و آنها قطعات مختلف سفال را برمی‌دارند که نمایانگر دوره‌های زمانی مختلفی هستند که در آن منطقه مسکونی بوده است. بنابراین به آن خط و به برداشت بصری خود از این سطح صاف ادامه دهید، زیرا آنها فقط چراغ‌های سبز را به ما نشان می‌دهند؛ بروید آنجا را حفاری کنید؛ این نوعی شواهد است.

خب، بیا بید چند برداشت بصری دیگر از این موضوع داشته باشیم. ضمناً، همانطور که خواهیم دید، دوتون، وقتی شروع به بررسی جغرافیایی و بررسی تاریخی خود کنیم، دوتون در یک مسیر بین‌المللی اصلی قرار داشت به همین دلیل مکان بسیار مهمی بود. بئرشبع، و متوجه خواهید شد که در آنجا به صورت بئرشبع نوشته شده است، نه بئرشبع.

من به استفاده از آن تلفظ و املا ادامه خواهم داد. این یک عکس بسیار قدیمی است و من آن را به شما نشان می‌دهم صرفاً به این دلیل که اگر اکنون به این مکان نگاه کنید، می‌بینید که به طور قابل توجهی تغییر کرده است. بازسازی شده است.

باستان‌شناسان بازسازی‌های زیادی انجام داده‌اند. آنها همچنین یک برج دیده‌بانی درست در وسط آن ساخته‌اند، در حالی که این تصویر درک بسیار واضح‌تری از چگونگی کاوش‌های اولیه به ما می‌دهد و می‌توانید برخی از ویژگی‌های جالب را در اینجا ببینید. اکنون کار زیادی با این موضوع نخواهیم کرد.

بعداً به آن برمی‌گردیم، اما متوجه خواهید شد که جایی نزدیک دیوار شهر، که با این چیزها اینجا نشان داده شده است، اتاق‌هایی وجود دارد که به نظر می‌رسد خیلی نزدیک به آنجا هستند. آنها کنده شده‌اند. همچنین همان شیبی را دارید که قبلاً در موردش صحبت کردیم، و سپس بلوک‌های بسیار مربعی دارید، و اینها مناطقی هستند که قطعه‌بندی و حفاری شده‌اند.

باز هم، بعداً کارهای بیشتری با بئرشبع انجام خواهیم داد، صرفاً برای اینکه به یک تپه باستانی کاوش شده نگاهی بیندازیم. در مورد نموداری که ممکن است در این زمینه به ما کمک کند، من این را از یک کتاب بسیار مفید که کالج دانشگاه اورشلیم برای تدریس واحد باستان‌شناسی خود استفاده می‌کند، برداشته‌ام و آنها نموداری ارائه می‌دهند که به سادگی به ما کمک می‌کند تا ببینیم این چیز چگونه در طول زمان ساخته می‌شود. همانطور که می‌بینید، تنها تغییری که من در آن ایجاد کرده‌ام این است که پیشنهاد می‌کنم احتمالاً دیوارها آنقدرها هم شیب‌دار نیستند.

زاویه مناسب از نظر گرانش در برخورد با ریزش آوار می‌تواند همانطور که در آن مکان قرمز نشان داده شده است، باشد. به هر حال، بیا بید نگاهی به برخی از مواردی بیندازیم که موقعیت مکانی ما را در اینجا مشخص می‌کنند. وقتی در مورد توپونومی صحبت کردیم، یکی از مواردی که بارها و بارها تکرار کردیم، نزدیکی به منبع آب بود.

خب، به کلید ما نگاه کنید. این یکی اتفاقاً یک منبع آب دارد. یک چشمه آنجاست.

نکته مهم دیگر این است که همیشه آن منبع آب را برای افرادی که در این مکان زندگی می‌کنند در دسترس نگاه داریم. اگر به بخش هشت، ببخشید، شش نگاه کنیم، در اینجا در مورد سکونتگاه‌های عصر آهن صحبت می‌کنیم. کمی بعد اشاره خواهیم کرد که این به چه معناست و در مورد چه بازه زمانی صحبت می‌کنیم، اما فعلاً، فقط در ذهن خود، همه اینها را کنار بگذارید.

همه اینها را کنار بگذارید و فرض کنید که حدود هزار سال قبل از میلاد مسیح زندگی می‌کنید. این سطحی است که در آن زندگی می‌کنید و اگر آنجا زندگی می‌کنید، باید مقداری آب تهیه کنید. خب، جالب اینجاست که ممکن است دشمنانی در اطراف داشته باشید.

منبع آب شما، چشمه، همینجاست. شما دیواری دارید که از شما محافظت می‌کند، مطمئناً، دیوار شهر شماره هشت همینجاست، اما چگونه می‌توانید از آن منبع آب خارج شوید، مخصوصاً اگر در محاصره باشید؟ خب، اگر از قبل تدارکات لازم را دیده باشید، اگر ماموران شهرداری با این موضوع سر و کار دارند، کمی چاه و سپس یک تونل برای رسیدن به منبع آب خود می‌سازید تا بتوانید با خیال راحت به آب دسترسی داشته باشید. تعدادی مکان وجود دارد که این چیزها را دارند.

ما به طور موقت به تصاویر تعدادی از آنها نگاه خواهیم کرد. خب، با گذشت زمان، سکونتگاه عصر آهن احتمالاً بارها و بارها، احتمالاً لایه‌های مختلف در عصر آهن، تخریب می‌شود. پس از آن، دوره‌های متوالی داریم.

الان نمی‌خواهم تک تک اینها را بررسی کنم چون بعداً تاریخ هر کدام را برایتان می‌گویم، اما بگذارید فقط بگویم که یک سکونتگاه کوچک‌تر در اینجا، در دوره پارس‌ها، قرار است به اندازه‌ای عظیم گسترش یابد و به سمت بالا ادامه پیدا کند. فعلاً این را کنار می‌گذاریم و امیدواریم اگر هنوز در مورد نحوه کار تل‌ها سوالی دارید، بتوانیم در ادامه به آن‌ها پردازیم. فقط به خاطر داشته باشید که قرار است این را دوباره تکرار کنم چون در سال‌های گذشته در مورد آن سوال داشته‌ام.

هیچ کدام از اینها در آن زمان اینجا نبودند، و مردم اینجا زندگی می‌کردند. این [شهر [طی قرن‌ها رشد کرده است. زمانی که ما به عنوان باستان‌شناس در قرن‌های نوزدهم و بیستم از راه رسیدیم، داشتیم به این چیزها در اینجا نگاه می‌کردیم.

این چیزی است که ما به سمت آن می‌رویم و شروع به بررسی آن می‌کنیم. این چیزی است که ما در آن قدم می‌زنیم و می‌بینیم چه نوع بقایای سفالی باقی مانده است، که دور ریخته شده است. باستان‌شناسان شروع به حفاری در این مواد می‌کنند و بخش‌هایی را که در نمای هوایی بترشبع دیدیم، بیرون می‌آورند تا سعی کنند بفهمند زیر آن چیست.

اینها تعاریف هستند. این مثالی از یک داستان است. حالا، بیا بید درک درستی از محدوده جغرافیایی که باید در مورد آن فکر کنیم، داشته باشیم و سپس به ترتیب زمانی خواهیم پرداخت.

ببینید، برای ما خیلی آسان است که بگوییم، خب، قرار است باستان‌شناسی کتاب مقدس انجام دهیم. این یعنی ما قرار است روی منطقه‌ای که در این بیضی قرار دارد، همینجا تمرکز کنیم. فوق‌العاده مهم است.

کمی بعد به سایت‌های مربوط به آن برمی‌گردیم. اما به یاد داشته باشید که اینجا سرزمین بینابین است، و بنابراین، تحت تأثیر انواع چیزهای فرهنگی قرار خواهد گرفت. گاهی اوقات آنها خوش‌خیم هستند، گاهی اوقات بدخیم، اما همه انواع چیزهای فرهنگی

، بنابراین ما باید اطلاعات زیادی در مورد مصر نیز داشته باشیم. ما باید بدانیم که در بین‌النهرین چه می‌گذرد زیرا آنها قرار است بر این منطقه تأثیر بگذارند. و سپس، به ویژه از نظر دوره بین دو عهد تا عهد جدید، باید بفهمیم که در فرهنگ‌های هلنیستی و بدیهی است که فرهنگ رومی نیز چه می‌گذرد.

بنابراین، دامنه جغرافیایی باستان‌شناسی کتاب مقدس شامل همه چیزهایی است که بر آنچه در سرزمین‌های بین آنها می‌گذرد تأثیر می‌گذارد. حالا به اینجا می‌رسیم که، خوب، مثل یک لیست خرید مواد غذایی به نظر می‌رسد. باشه، پس با من همراه باشید.

ما باید برخی از این موارد را درک کنیم تا داده‌های کتاب مقدس یا درک کتاب مقدس خود را در چارچوب زمانی وسیع‌تری قرار دهیم. و همانطور که در داخل پرانتز اشاره کردم، ما در مورد تقریب‌های کلی صحبت می‌کنیم. عصر حجر بسیار گسترده است.

من وقت زیادی را اینجا صرف نمی‌کنم. اگرچه، اگر به نوسنگی نگاه کنید، آن عصر حجر جدید ما خواهد بود. چیزهای واقعاً جالبی وجود دارد.

برجی که در عهد عتیق پیدا شده و ما آن را اریحای عهد عتیق می‌نامیم. اگر وقت داشته باشیم، بعداً به آن خواهیم پرداخت. اما چیزهای بسیار جذاب دیگری از دوره نوسنگی در مورد تدفین‌ها وجود دارد که به همین ترتیب مهم هستند.

اما اگر توجه کنید، تنها چیزی که به طور مبهم با کتاب مقدس مطابقت دارد، نام اریحا خواهد بود. بدیهی است که ما هیچ رویداد کتاب مقدسی نداریم که در این اوایل ظاهر شود. به محض اینکه تحولی در فناوری داشته باشیم، ابزارهای خودمان را خواهیم داشت.

ضمناً باید بگویم که این دوره‌های زمانی اولیه در درجه اول با توجه به نوع ابزارهایی که ساخته شده‌اند تعریف می‌شوند. بنابراین، ابزارهای سنگی اکنون ترکیبی از ابزارهای مسی و سنگی از دوره مس‌سنگی هستند. برای اهداف ما، می‌خواهیم برنز را در نظر بگیریم.

اینجاست که شروع به سرازیر شدن به سمت رویدادهایی می‌کند که در متن کتاب مقدس آمده‌اند. اوایل عصر برنز، همانطور که می‌بینید، بازه زمانی طولانی. از نظر برخی از اتفاقاتی که در سرزمین کنعان رخ می‌داد، جذاب است، اگرچه بدیهی است که بنی‌اسرائیل هنوز آنجا نیستند.

تحولات فرهنگی قابل توجه در این بازه زمانی از ۳۵۰۰ تا حدود ۲۲۰۰ قبل از میلاد. برنز میانی، باز هم شما می‌توانید آن تاریخ‌ها را به خوبی من بخوانید. و اینجاست که می‌توانیم با متن کتاب مقدس ارتباط برقرار کنیم.

حالا متوجه شدم که دارم وارد یک بحث نسبتاً بحث‌برانگیز می‌شوم. اما اگر ابراهیم، پدرمان ابراهیم، حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح ظاهر شده باشد، باز هم، می‌دانم که در این مورد اختلاف نظر ۲۰۰۰-۲۱۰۰، وجود دارد.

اما اگر واقعاً این درست باشد، پس ما نوادگان او، به ویژه اسرائیل، را داریم که به مصر می‌روند. ابتدا یعقوب و سپس بقیه پسران، ببخشید اول یوسف، و سپس بقیه پسران اسرائیل که حدود ۴۰۰ سال در مصر خواهند بود. بنابراین، این زمان واقعاً مهمی خواهد بود زیرا ما تصویر بزرگتری داریم.

باید بگویم، فقط به عنوان یک نکته فرعی در این لحظه، که لحظه‌ای پیش گفتم، نام این دوره‌ها را داریم که در این مورد با ابزار برنزی تعریف شده‌اند. اما وقتی در مورد آنچه در یک نام است صحبت می‌کنیم، این موضوع نیز بر این موضوع تأثیر خواهد گذاشت. و افرادی خواهند بود که به این دوره‌ها نه به عنوان برنز اولیه، برنز میانی و برنز متاخر، بلکه به عنوان کنعانی اولیه، کنعانی میانی و کنعانی متاخر اشاره خواهند کرد.

احتمالاً به استفاده از اصطلاحات استانداردتر ادامه خواهیم داد. تا زمانی که به اواخر برنز برسیم، اتفاقات جذابی در حال رخ دادن است. بدیهی است که شما هم می‌توانید آن تاریخ‌ها را به خوبی من ببینید.

مهم نیست که چگونه تاریخ خروج و سپس بازگشت به ابراهیم را تجزیه و تحلیل کنیم، در آن بازه زمانی خروج و فتح را خواهیم داشت. بنابراین، این دوره برای ما دوره مهمی خواهد بود. به دلایلی که واقعاً نمی‌دانیم، فرضیه‌های زیادی در این مورد و مطالب جالب زیادی وجود دارد.

اما در پایان دوره برنز متاخر، و تاریخ تقریبی ما حدود ۱۲۰۰ سال است، به نظر می‌رسد که در سراسر منطقه مدیترانه شرقی، یک تحول بزرگ رخ داده است. جابجایی‌های زیاد مردم، ویرانی‌های فراوان، شواهدی از ویرانی‌ها در بقایای باستان‌شناسی ما. اما باز هم، در مورد علت آن، کاملاً قطعی نیست.

تا اینجا که خوب بوده. و حالا مطالب بیشتری داریم که در مورد اسرائیل مهم خواهند شد. این هم عصر آهن ما.

لحظه‌ای پیش گفتم که برنز گاهی اوقات کنعانی نامیده می‌شود. بنابراین برنز اولیه، کنعانی اولیه، برنز میانی و غیره. وقتی به عصر آهن برسیم، برخی از مردم این را دوره بنی اسرائیل می‌نامند.

اما من به آهن پایبند خواهم ماند چون استاندارد است. عصر آهن ۱، همچنین باید به شما بگویم که هر یک از این دوره‌های کلی به زیرعنوان‌های زیادی تقسیم شده‌اند. ما قرار نیست نگران بیشتر آنها باشیم.

اما از ۱۲۰۰ تا حدود ۱۰۰۰، دوره داوران را داریم. همانطور که در آن نوشته کوچک‌تر داخل پرانتز می‌بینید، این یک بازه زمانی واقعاً بسیار مهم است، این عصر آهن ۱، زیرا کار نسبتاً زیادی برای ارزیابی تحولات سکونتگاه‌های کوچک‌تر انجام شده است، همانطور که می‌توانید بخوانید، سکونتگاه‌های کوچک‌تر و متعددتر در منطقه تپه‌ای.

در سخنرانی قبلی‌مان، در مورد این واقعیت صحبت کردیم که این منطقه قبل از ورود بنی اسرائیل، مسکونی نبوده است. همچنین در مورد احتمال عسل و گل‌های وحشی برای عسل و غیره صحبت کردم. از دیدگاه باستان‌شناسی، فقط تکرار می‌کنم که به نظر می‌رسد سکونتگاه‌های کوچک‌تر و بیشتری از عصر آهن ۱ شروع شده‌اند. البته، عصر آهن ۲ چیزی است که برای ما واقعاً مهم است زیرا ما در حال بررسی تاریخ عهد عتیق هستیم زیرا ما در مورد سلطنت متحد داوود و سلیمان صحبت می‌کنیم که با شائول و داوود و سلیمان شروع می‌شود و سپس تقسیم پادشاهی ما در سال ۹۳۱ و سلطنت‌های تقسیم‌شده، ابتدا اسرائیل در سال ۷۲۲ به تبعید رفت و سپس یهودا در سال‌های ۵۸۷-۵۸۶ به تبعید رفت.

اما این دوباره دوره بنی اسرائیل یا دوره عصر آهن خواهد بود. دوره استیلای اسرائیل، چیزهای مهمی هستند. در این مرحله، از نظر تعیین استاندارد ما از این دوره‌های زمانی، اوضاع تغییر می‌کند.

حال، اگر به سراغ نام‌های جدیدتری که اضافه شده‌اند، مانند کنعانی-اسرائیلی، برویم، این تغییر چندان محسوسی نیست. اما برای افرادی که هنوز به عصر برنز و آهن پایبند هستند، اکنون نام‌های دوره‌های ما به طور قابل توجهی تغییر می‌کنند زیرا ما امپراتوری‌هایی داریم، نام امپراتوری‌هایی که دوره‌های باستان‌شناسی را تعریف می‌کنند. بنابراین ما بابلی، پارسی و هلنیستی داریم.

ما خیلی نگران دو مورد اول نخواهیم بود، اما دوره هلنیستی و به ویژه دوره هاسمونایی بسیار مهم خواهند بود و من به ویژه در مورد آنها وقتی به معماری و باستان‌شناسی اورشلیم می‌رسیم صحبت خواهم کرد. زمانی که روم وارد صحنه می‌شود، و دوباره، یک رویداد تاریخی، ۶۳ سال قبل از میلاد، زمانی که پمپئی رومی وارد اورشلیم می‌شود، ما تسلط روم را در این منطقه تا سال ۳۶۰ میلادی، با انواع فراز و نشیب‌ها، شاهد هستیم برای اهداف ما و برای اهداف انجیلی، جالب‌ترین بازه زمانی ما، مواد معماری و باستان‌شناسی خواهد بود که مربوط به دوره هیروودی است.

بنابراین به همین دلیل این موضوع برجسته شده است. ما انواع چیزهای جالب را پیدا خواهیم کرد، به خصوص در مکان‌های اصلی ما در جلیل، در منطقه دشت ساحلی و در اورشلیم که قرار است آنها را به عنوان هیروودیان شناسایی کنیم. فراتر از آن، زمان تسلط کلیسا، دوره بیزانس، نیز به دلایلی که هنگام صحبت در مورد اورشلیم در مورد آنها صحبت خواهم کرد، مهم است، پس فقط به آن توجه کنید.

پس از آن، تناوبی بین سلطه اسلامی و حضور صلیبیون وجود دارد، اما عدم قطعیتی وجود دارد که در آنجا وجود خواهد داشت، و در نهایت، امپراتوری عثمانی و قیمومیت بریتانیا پس از آن. توات مرور زمانی ما است یک مرور بسیار سریع در اینجا. بیایید کمی وقت بگذاریم و در مورد اینکه چرا باستان‌شناسی هم بسیار مفید است و هم اگر بخوایم آن را بیش از حد بخوانیم، به طور بالقوه مشکل‌ساز است، صحبت کنیم.

بنابراین شما هم می‌توانید به خوبی من بخوانید، اما بیایید فقط کمی در این مورد صحبت کنیم. یادتان هست که بیل دیور در تعریفش از مطالعه علمی گفت و این درست است. باستان‌شناسان خیلی سخت تلاش می‌کنند تا علمی باشند، به خصوص الان، اما این یک علم دقیق نیست، و بنابراین مقدار زیادی هنر در تفسیر آن دخیل است.

وقتی این آثار باستانی را، صرف نظر از اینکه چه هستند، در زمینه‌ای که در آن پیدا شده‌اند، می‌خوانید، اگر این آثار باستانی از زمینه چینه‌شناسی خود جدا شده باشند، چالش برانگیزتر می‌شود، و این قبلاً اتفاق افتاده است. متأسفانه، این اتفاق همچنان ادامه دارد. آنسون ریخی، احتمالاً بهترین کتیبه‌شناس و همچنین یک جغرافیدان تاریخی فوق‌العاده خوب، این کنایه بسیار جالب را داشت، علم حفر یک سوراخ مربع و هنر رسیدن نخ از آن.

او باستان‌شناسی را به خوبی می‌شناخت. همانطور که گفتم، او همچنین در بسیاری از این رشته‌ها، در کنار هم، در خط مقدم بود. او به همراه شخصی به نام استفن ناتلی کتابی به نام «پل مقدس» نوشته است که منبعی غنی از اطلاعات است که در کل این رشته جغرافیای تاریخی به ما کمک می‌کند.

نکته‌ی دیگری هم هست که باید هنگام فکر کردن به باستان‌شناسی در نظر داشته باشیم، چون تعداد زیادی از آن نشانه‌های کوچک وجود دارد. یادتان هست؟ آنها کوچک هستند، مخصوصاً در منطقه‌ی کوهستانی ما. مکان‌های کاوش‌شده، تعداد کمی از آنهاپی که در دوران باستان وجود داشته‌اند.

وقتی شروع به صحبت در مورد روش‌ها کنیم، در مورد بررسی‌ها و کمکی که شده صحبت خواهم کرد، اما می‌دانید که حفاری یک سایت هزینه زیادی دارد و اگر سایت در مکانی باشد که از قبل یک شهر یا شهرک

وجود داشته باشد، این موضوع مسائل دیگری را نیز ایجاد می‌کند. این امر به ویژه زمانی صادق است که افراد در اورشلیم کار می‌کنند. وقتی مطالعه خود را در مورد اورشلیم انجام می‌دهیم، خواهیم دید که چگونه این روش جواب می‌دهد یا نمی‌دهد.

در همین رابطه، این واقعیت وجود دارد که مطمئناً، کاوش انجام می‌شود، اما نمی‌توانید کل لایه را از هر منطقه مشخص جدا کنید. کاوش‌های جامع بسیار کمی انجام شده است، که البته چیز خوبی است، زیرا، صادقانه بگویم، از آنجایی که روش‌ها پیچیده‌تر شده‌اند، خوب است که هنوز مقداری مواد برای کاوش از هر لایه مشخص در این مکان‌ها وجود داشته باشد. بنابراین، کاوش‌های جامع بسیار کمی انجام شده است.

البته، نکته‌ی منفی این است که، حدس بزنید چه می‌شود؟ اگر چهار فوت (حدود 120 سانتی‌متر) فاصله داشته باشید، ممکن است چیزی را از دست بدهید که می‌توانست یک یافته‌ی فوق‌العاده مهم باشد. در مورد اینکه بهترین مکان برای حفاری کجاست، تفاهم‌هایی وجود دارد، اما انتخاب محل قرار دادن این ترانشه‌ها کمی سلیقه‌ای است. علاوه بر این، صادقانه بگویم، تعداد کمی اسناد و کتیبه‌های خارج از کتاب مقدس داریم.

همه آنها بسیار مفید هستند، اما گاهی اوقات هنگام کنار هم قرار دادن آنها و تلاش برای ارتباط دادن آنها با یافته‌هایمان، با چالش مواجه می‌شویم. بنابراین، ممکن است فکر کنید، خوب، من مطمئناً هرگز نمی‌خواهم بدون اینکه این کار خیلی مفید باشد، به کاوش باستان‌شناسی بروم، اما حقیقت امر این است که، در نهایت، بسیار مفید هستند. نه اینکه باعث بهبود شوند.

ما نمی‌خواهیم از اصطلاح اثبات استفاده کنیم، اما مطمئناً در تأیید آنچه در متون کتاب مقدس می‌بینیم مفید است. بله، بحث‌های زیادی وجود دارد. بله، مسائلی وجود دارد که همیشه مورد بحث هستند، از جمله اینکه آیا باستان‌شناسی به درک ما از چیزهای معین کمک می‌کند یا مانع آن می‌شود.

ما در ادامه‌ی مطالعات منطقه‌ای، درباره‌ی برخی از آنها صحبت خواهیم کرد. بیایید لحظه‌ای در مورد آنچه باستان‌شناسان به دنبال آن هستند، یا شاید آنچه در گذشته به دنبال آن بوده‌اند، و اینکه چگونه این جستجو شاید کمی پیچیده‌تر شده است، فکر کنیم. و سپس کاری که من پس از ارائه‌ی این فهرست، دو بلوک جداگانه از مطالب در اینجا، انجام خواهم داد، در واقع تعدادی عکس از نمونه‌های معرف این موارد است.

بنابراین، یکی از نکات کنونی، به ویژه در باستان‌شناسی که از اوایل قرن بیستم و پس از آن شروع به انجام آن شد، تلاش برای یافتن شواهدی از دولت‌های مرکزی، نهادها و دولت‌شهرها است و شما می‌توانید این را به خوبی من بخوانید، تأکیدات ژئوپلیتیکی و مذهبی همانطور که در اسناد رسمی و همچنین در این نوع چیزها مشهود است. بنابراین، آیا آن تصویری را که از هوای حفاری در بئرشیع داشتیم به خاطر دارید؟ حتی قبل از اینکه مردم شروع به حفاری در آن تپه کنند، می‌توانستید در آن لبه ناهموار کوچک اطراف دیوار بیرونی ببینید، و بنابراین، شما به دنبال آن خواهید گشت، تا بفهمید چه چیزی آنجاست. اگر ایده مبهمی دارید، من در حال حاضر به بئرشیع نمی‌پردازم، اما ایده مبهمی که منبع آب ممکن است کجا بوده باشد، می‌توانید حدس بزنید که آنجا دروازه‌ای وجود داشته است، بنابراین شما کار می‌کنید و می‌بینید که آیا می‌توانید دروازه‌ای پیدا کنید.

اگر خواهیم دوباره منطقی به موضوع استحکامات آبی، ببخشید، سیستم‌های آبی، معابد و سازه‌های کاخ فکر کنیم، احتمالاً نقطه اوج برخی از این داستان‌ها جایی خواهد بود که شواهدی از معبد، کاخ، ساختمان‌های بزرگتر و غیره وجود داشته باشد. ضمناً، معابد و کاخ‌ها اغلب یک ساختمان بودند، زیرا آنها، به خصوص اگر مربوط به قوم بنی‌اسرائیل نباشد، پادشاه اغلب به عنوان نوعی خدا، یک شخصیت، تجسم یک خدا در نظر گرفته می‌شد و بنابراین کاخ معبد بسیار به هم مرتبط است. با ادامه بررسی چیزهایی که بخشی از این نهاد بزرگتر مذهبی، سیاسی و ژئوپلیتیکی هستند، ممکن است به چیزهایی برخورد کنیم که آنها را محراب می‌دانیم.

حالا، بسته به اینکه در چه زمینه‌ای هستیم، این یک جستجوی جالب است و ممکن است کمی خلاقیت لازم داشته باشد. سنگ‌های ایستاده، مجسمه‌ها، کتیبه‌ها و سکه‌ها. آیا متوجه شده‌اید که ما از سازه‌های یادبود، در ابتدای آن لیست به چیزهای کوچکی که قرار است با دسته بعدی ما ارتباط برقرار کنند، می‌رویم؟ مطمئناً کتیبه‌ها و سکه‌ها به چگونگی درک ما از موجودیت ژئوپلیتیکی در اینجا کمک خواهند کرد، اما آنها موارد زیر را نیز نشان خواهند داد.

تداوم‌ها و تغییرات در سکونتگاه‌ها، منعکس‌کننده‌ی تغییرات اقتصادی و فرهنگی خواهد بود. این چگونه کار می‌کند؟ و ضمناً، باید بگوییم که احتمالاً اخیراً تأکید بیشتری در باستان‌شناسی بر این موضوع بوده است تا سعی شود برخی از درک‌های ظریف‌تر از زندگی روزمره به گونه‌ای که بوده، به دست آید. لحظه‌ای پیش، به این موضوع در مورد دروازه‌های نزدیک سیستم‌های آب و استحکامات اشاره کردم و به این واقعیت اشاره کردم که این سازه‌های بزرگ کاخ‌مانند را در بالای تپه‌ها خواهیم یافت.

خب، می‌دانید، همیشه این سوال وجود دارد که یک فرد عادی چگونه زندگی می‌کرده است؟ خب، احتمالاً آنها در پایین دامنه تپه زندگی می‌کردند. در واقع، در بسیاری از موارد، شواهدی می‌بینیم که ممکن است نشان دهد جمعیت‌های حاشیه‌نشین ما گاهی اوقات چیزی هستند که ممکن است آن را سپر انسانی بدانیم، که چیز غم‌انگیزی است. آنها به حاشیه رانده شده‌اند و از این نظر خط مقدم هستند.

در هر صورت، در اینجا به برخی از نکات برجسته دیگری که می‌خواهیم بررسی کنیم، اشاره می‌کنیم. سبک‌های خانه. روش‌های خاصی برای ساخت خانه‌ها وجود داشت.

بعداً، ما به چیزی به نام خانه چهار اتاقه اسرائیلی، روش استاندارد برخورد با مسائل، خواهیم پرداخت می‌دانید، در این کشور، ساختار دهه ۱۹۵۰ یا خانه‌های چند طبقه وجود داشت. ما هم آن را داریم، اما آنها قطعاً سبک‌های خاصی از خانه را داشتند.

نگاهی به سفال. سفال تغییر می‌کند. سفال گاهی اوقات وارداتی بود، و نحوه‌ی تکامل آن از نظر نوع سفال مورد استفاده، نحوه‌ی تزئین آن، نکات مهمی هستند که برخی از این تغییر تأکیدات فرهنگی و اجتماعی را نشان می‌دهند.

نحوه‌ی تدفین‌ها نیز تغییر کرد. به زودی دو مثال نسبتاً متفاوت به شما نشان خواهم داد.

ما چیزهایی را می‌بینیم که برای تزئین استفاده می‌شدند. عاج‌ها، جواهرات. ما فلزات را می‌بینیم.

ما شواهدی از تخریب می‌بینیم، و همچنین این چیزی را که قبلاً به آن اشاره کردم، پیراهن گلدانی حکاکی شده یادداشت چسبان مربوط به دوران باستان را می‌بینیم. همه این موارد از نظر باستان‌شناسی برای انجام کار خود مهم هستند. بنابراین اکنون، امیدوارم یک سری کامل از عکس‌ها کمی کمک کند.

اول از چیزهای بزرگ شروع می‌کنیم. دیوارها، استحکامات، سیستم‌های آب. این تصویر خیلی جالبی است.

اینجا یک دیوار دارید، همانطور که امروز می‌توانید آن را ببینید. اتفاقاً در محله یهودیان اورشلیم، در شهر قدیمی اورشلیم قرار دارد. در اینجا یک داستان بسیار طولانی و جذاب را خلاصه می‌کنم و به سادگی به شما می‌گویم که بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷، یهودیانی که در داخل دیوارهای قدیمی شهر در محله یهودیان زندگی می‌کردند، بین سال‌های ۱۹۴۸ تا ۱۹۶۷ از آن منطقه اخراج شدند.

،وقتی آنها پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ برگشتند، به این منطقه‌ای که به طرز وحشتناکی، خب ویران شده بود، رسیدند، بیایید اینطور بگوییم، و قرار بود آن را بازسازی کنند. اما چه فرصتی، زیرا وقتی آنها به بازسازی محله یهودیان خود فکر می‌کردند، با خود فکر کردند، این فرصتی است که می‌توانیم از نظر باستان‌شناسی به آنچه در پس این ماجرا نهفته است، نگاه کنیم. بنابراین آنها کارهای باستان‌شناسی جذاب زیادی انجام دادند.

این فقط یک تصویر کوچک از چیزی از دیواری است که روی هم رفته، به نظر می‌رسد مربوط به زمان حزقیا باشد. این همان چیزی است که در عکس سال ۱۹۶۹ به نظر می‌رسید، همانطور که من برای شما در آنجا نشان داده بودم. اگر به این نگاه می‌کنید، ممکن است آن را به عنوان قبه الصخره در اورشلیم بشناسید.

اکنون می‌توان از محله یهودیان بازدید کرد و سازه‌ها و غیره را دید که بسیار هوشمندانه و از نظر معماری زیبا در اطراف ساخته شده‌اند. بنابراین این یک منطقه مسکونی است، اما این و تعدادی از یافته‌های دیگر را نیز در محل خود حفظ کرده است. این چیزی است که وقتی ناخمن ابیگاد، باستان‌شناسی که در واقع از بازنشستگی فراخوانده شد تا روی این کار کند، آنجا بود، به نظر می‌رسید و شما می‌توانید بزرگی آن دیوار را درک کنید.

این یک دیوار دفاعی بود، و وقتی با اورشلیم سر و کار داریم، خیلی چیزهای دیگر هم برای گفتن در مورد آن وجود دارد. این یک دروازه است. عصر آهن، به یاد داشته باشید که این دوره بنی اسرائیل است، مکانی به نام حاصور.

بعداً به آن خواهیم پرداخت. در قسمت شمالی کشور است. من آنجا علامت سوال سلیمانی نوشته‌ام.

چون می‌بینید، وقتی اول پادشاهان ۹ آیه ۱۵ را می‌خوانیم، می‌گوید سلیمان جازر، مجدو و حاصور را مستحکم کرد. بنابراین وقتی باستان‌شناسان برای اولین بار با این مکان‌ها سر و کار داشتند، این دروازه بسیار مهم را پیدا کردند. ضمناً، این چطور کار می‌کند؟ خب، شما یک راهرو دارید که از بیرون به داخل شهر می‌رود، مثل این، اما در دو طرف آن اتاق‌هایی وجود دارد.

اینها پوشیده می‌شدند. آنها برای انواع کارها، از جمله امور قضایی، مبادلات اقتصادی، و بدیهی است که دوباره، پوشیده می‌شدند. بسیاری از فعالیت‌هایی که در متن کتاب مقدس در مورد دروازه‌ها می‌خوانید.

استندینگ استونز به آنها اشاره کرد و این را درست در ابتدای بحث ما دید. این مکانی به نام گِزر است، یک مکان بزرگ، فقط یادآوری از لحظه‌ای پیش. این یکی از آن مکان‌هایی است که سلیمان آن را مستحکم کرد.

این خیلی قبل از زمان سلیمان است، اگرچه، رک و پوست کنده، ما دقیقاً نمی‌دانیم که برای چیست. اینها، سنگ‌های ایستاده هستند. و آیا آنها تا به حال بزرگ بوده‌اند؟ آنها از یک سر بزرگ به سر دیگر کوچک‌تر، احتمالاً اواسط عصر برنز، تغییر می‌کنند.

و بعد اینجا کلی سنگ ایستاده در مکانی به نام هازور داریم، که در هر دو مورد نوعی مکان مذهبی است. اینجاست که هنر ما وارد می‌شود. تدفین، در مورد تدفین صحبت کردیم.

و این یک نمونه بسیار جالب و عجیب است. به این تابوت انسان‌نما می‌گویند. کلمه تابوت به معنای گوش‌تخوار است، و تابوت‌هایی از سراسر دوره زمانی ما وجود دارد.

این اتفاقاً خیلی قبل‌تر از این تاریخ است. متوجه خواهید شد که ما داریم در مورد اواخر عصر برنز صحبت می‌کنیم، بنابراین داریم در مورد حدود ۱۵۵۰ تا حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد صحبت می‌کنیم. احتمالاً کمی تأثیر فلسطینی‌ها را می‌بینید، چون چیزی شبیه به نشان فلسطینی‌ها می‌بینیم، اما واضح است که در واقع تأثیر مصری‌ها در خلق یکی از این چیزها برای شخصی که قرار است در آن به آرامش ابدی برسد، وجود دارد.

ما در مورد مکانی به نام اکرون صحبت خواهیم کرد. آن شهر در زمان سلطنت ما، یک شهر فلسطینی بود که به دوره سلطنت ما، قضات به اوایل سلطنت، وارد شد. در اینجا تصویر دیگری از یک مراسم تدفین، مدت‌ها بعد، آمده است.

آن مورد قبلی مربوط به اواخر برنز بود که ما را خیلی قبل از ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح قرار می‌دهد. این مورد مربوط به دوره معبد دوم است، به این معنی که ما در مورد یک بازه زمانی صحبت می‌کنیم که معبد دوم، که توسط یهودیان در قرن ششم قبل از میلاد بازسازی شد، تا زمان آمدن رومی‌ها تخریب نشده بود. بنابراین، دوره معبد دوم مربوط به آن بازه زمانی است، و اینجا کاملاً متفاوت است، اینطور نیست؟ ما یک غار در آنجا داریم و اگر وارد آن شوید، نوعی اتاقک با مکان‌هایی برای گذاشتن اجساد، شاید قرار دادن تابوت‌ها روی آنها، خواهید دید.

همچنین چند میله می‌بینید که به دیوار سنگی فرو می‌روند، و البته جالب‌ترین چیز برای ما این سنگی است که جلوی آن می‌گلتند، که می‌تواند با ادامه‌ی استفاده‌ی مکرر و مکرر از آن، کنار برود. البته، این برای ما یادآور روایت‌های انجیل است. در این مورد حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد.

وقتی به اورشلیم پردازیم، به آن خواهیم پرداخت. در ادامه با برخی دیگر از مواردی که باستان‌شناسان به بررسی آنها علاقه‌مند هستند، به سیستم‌های آب اشاره کردیم و من در مورد این واقعیت صحبت کردم که اگر با موقعیتی مواجه هستید که باید به آب خود دسترسی داشته باشید، اما ممکن است بی‌ثباتی سیاسی داشته باشید، باید یک چاه یا تونل داشته باشید. اینجا مجدو است، و در مجدو، یک مکان مهم، دوباره به آن برگردیم، شما به داخل یک چاه فرو می‌روید، و سپس این تونل افقی ماست که تا انتها، جایی که منبع آب خواهد بود، امتداد می‌یابد.

این افقی است. اینجا مکانی به نام جبعون است، یکی دیگر از مکان‌های بسیار مهم. در واقع، این همان مکانی بود که برای اتحادیه جبعونیان مهم بود، که در برابر نیروهای یوشع و بنی‌اسرائیل، زمانی که بنی‌اسرائیل برای فتح وارد شدند، متحد شدند.

اینجا، دسترسی اولیه ما از بالای تل، که جایی در آنجا قرار داشت، از طریق یک چاه با زاویه پایین می‌رفت و آن زاویه به منبع آب که اینجا بود، می‌رسید. متوجه خواهید شد که ما در اینجا نداریم، ضمناً، این عکس مربوط (به دهه ۱۹۷۰ است، بنابراین در آن روزها، الف (می‌توانستیم به گیبون برویم، که الان کاری نیست، و ب حتی چراغ قوه هم همراه نداشتیم، فقط شمع روشن کردیم تا آن را ببینیم. چند چیز دیگر

این یک تغییر برای ما از نظر سیستم آب است. قیصریه. ما در مورد قیصریه بیشتر صحبت خواهیم کرد، اما به بازه زمانی ما توجه کنید.

آن‌هایی که قبل از آن بودند، مربوط به عصر آهن بودند. این یک بازه زمانی رومی هرودی، قرن اول، قرن دوم میلادی است، و وقتی قیصریه، کنار دریای مدیترانه، که می‌توانید آنجا ببینید، وقتی قیصریه ساخته شد مهندسان هرود کبیر بودند که این کار را انجام دادند، آنجا منبع آب، منبع آب شیرین، نداشت، فقط دریا داشت، و بنابراین آنها موفق شدند قنات‌هایی را به شکل کلاسیک رومی واقعی ایجاد کنند، و آب را از دامنه

کوه کرمل از این مسیر به قیصریه بیاورند تا آب را تأمین کنند. با گذشت زمان، در این مورد نیز بیشتر خواهیم کرد.

این شهرهای بزرگ که از نظر نفوذ رومی هلنیستی به وجود آمدند، همیشه تئاتر هم داشتند، و بنابراین اینجا یکی از آنها را می‌بینید. اسلاید آغازین ما که حدود نیم ساعت پیش دیدیم از مکانی به نام بیت شان بود. این نام عهد عتیق است.

نام شهر هلنیستی، سکیتوپولیس بود، و آن ستون‌هایی که دیدید، معبدی فروریخته بودند، احتمالاً برای دیونسیوس. اینجا تئاتر شهر بود، بنابراین آن معبد دقیقاً در همین منطقه قرار داشته است. اینجا صندلی‌هایی از تئاتر هستند، و این به سادگی اولین ردیف از سه ردیف صندلی، بقایای آن، و ردیف‌های بعدی در آنجا است.

تخمین زده می‌شود که این مکان می‌توانست حدود ۷۰۰۰ نفر را در خود جای دهد، بنابراین برای کسانی از شما که از ظرفیت سالن‌های تفریحی اطلاع دارید، این یک مورد نسبتاً قابل توجه بود و نشان دهنده نفوذ بسیار قوی هلنیستی، نفوذ یونانی-رومی بود. بیشتر از نظر حضور رومی‌ها، یکی از کارهایی که رومی‌ها انجام دادند بهبود سفر از بسیاری جهات بود، بنابراین بیاید ابتدا مورد درست را انجام دهیم. آنها یک سیستم جاده‌ای راه‌اندازی کردند و شما هنوز هم در مکان‌هایی دور هم جمع شده‌اید.

تعدادی در موزه اسرائیل هست، و جاهای دیگری هم هست، اما یک جای کوچک و فوق‌العاده درست در امتداد بزرگراه وجود دارد که تعدادی از این سنگ‌نگاره‌های رومی که کتیبه دارند، در آنجا جمع شده‌اند، که نشان می‌دهد آنها با دقت سعی می‌کردند بفهمند از اینجا تا آنجا، تا آنجا و تا آنجا چند مایل است. در سمت چپ، یک کتیبه می‌بینیم، و اگر خیلی با دقت نگاه کنید، اسمی را می‌بینید که اگر با انجیل‌هایتان آشنا باشید، آن را می‌شناسید. بله، حروف کمی مربع شده‌اند، اما پیلاتوس را اینجا می‌بینید.

پونتیوس اینجاست، تیرپوم اینجاست، و بنابراین این کتیبه‌ای است که در کاربرد ثانویه پیدا شده است. این بدان معناست که هر چیزی که روی آن بوده، تخریب شده و سپس به عنوان بلوک ساختمانی دوباره مورد استفاده قرار گرفته است، و بنابراین این نکته بسیار جالبی را به ما می‌گوید. این اشاره‌ای به پونتیوس پیلاتوس است که احتمالاً تیرپوم را ساخته است، شاید در زمان امپراتور تیرپوم.

یک تیرپوم به نام او نامگذاری می‌شد. وقتی در مورد قیصریه صحبت کنیم، بیشتر به این موضوع خواهیم پرداخت. آثار باستانی بیشتر.

این یکی به جورایی باحاله. الان داریم میریم جلوتر. اون یکی مال قرن اول بود.

داریم به قرن چهارم میلادی می‌رسیم و می‌خواهم نگاهی سریع به آن بیندازید. اگر یک کلاس تعاملی پیش رویم بود، می‌گفتم، چه می‌بینید؟ آنها خیلی با دقت نگاه می‌کردند و اول از همه، دیواری را می‌دیدند که روی چیزی که موزاییک است ساخته شده بود. وقتی به بازدید از هامات تیرپوم می‌روید، جایی که الان این مکان قرار دارد، آن دیوار برداشته شده و این چیز پوشانده شده است، بنابراین کمی ارتقا یافته است، اما جالب‌تر از همه اینها این است که در کف یک کنیسه، کف کنیسه، کف عبادتگاه یهودیان، بعد از شیرها و کتیبه ورودی، یک زودیاک درست اینجا دارید. آیا این جذاب نیست؟ و این هلیوس، خدای خورشید است که سوار بر ارابه‌اش است.

اینجا، ما نمادهای استاندارد بسیار مهمی می‌بینیم. یک منورا می‌بینیم. یک شوفار می‌بینیم.

ما یک بیلچه‌ی عود می‌بینیم. یک لولای می‌بینیم. چیزی را می‌بینیم که احتمالاً طومار تورات را اینجا در خود جای داده است.

بنابراین ترکیبی باورنکردنی از نمادها. اینجاست که باستان‌شناسی واقعاً جالب می‌شود، تلاش برای تفسیر این مبادا فکر کنید این یک ناهنجاری است، تعدادی از اینها در سراسر کشور وجود دارد.

به نظر می‌رسد که این الگوی استاندارد برای ساخت کف کنیسه‌ها از حدود قرن چهارم میلادی بوده است. چند نکته دیگر در مورد پیشرفت‌های تکنولوژیکی. در اینجا یک چراغ نفتی برنزی قدیمی را مشاهده می‌کنید.

روغن را آنجا بگذار. فتیله را اینجا بگذار. روشنش کن.

بگذریم. وقتی به دوره روم می‌رسیم، آیا متوجه گذر قرن‌ها می‌شوید؟ باز هم، اواخر برنز حدود ۱۵۵۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد. روم بعد از ۶۳ قبل از میلاد.

حالا یک ظرف دربسته دارید. خیلی زیاد نمی‌ریزد. این یکی واقعاً جالب است، نه؟ چون همان نمادهایی را اینجا می‌بینید که در قسمت بالای کف کنیسه دیدید، یا حداقل بعضی از آنها را.

شما شمعدان، چراغدان را می‌بینید. اینجا یک بیلچه عود می‌بینید. بنابراین، بدیهی است که این چراغ خاص توسط یک خانواده یهودی استفاده می‌شود.

یک کشف نسبتاً جدید، اثر یک فک دریایی است. بیایید نگاهی به آن بیندازیم. اینجاست، همینجا.

این رونویسی به عبری مدرن از آنچه که این می‌گوید است. این متعلق به حزقیا در حال حاضر است. به یاد داشته باشید آنچه در داخل کروش است، اینجا نیست.

این در حال تفسیر شدن است. اما توجه کنید که آنچه در ادامه ذکر شده است، آحاز، پادشاه یهودا است. آیا این جالب نیست؟ زیرا ما می‌دانیم که عزیا، یوتام، آحاز، حزقیا پسر آحاز است.

جمع آن است. تعدادی از اینها یافت شده است (Bulai) یک اثر مهر است. بولای (Abula) ابولا.

اگر سعی کنید اندازه این را حس کنید، حدود نیم اینچ است. بنابراین فقط انگشت شست خود را بالا بگیرید و شاید حدود، اوه، نمی‌دانم، دو سوم اندازه انگشت شست شما باشد. ایلات مزار، نام بسیار مشهوری در زمینه باستان‌شناسی اورشلیم است.

ما خیلی بیشتر در مورد او صحبت خواهیم کرد. چند کشف دیگر، حتی جدیدتر. این مورد قبلاً، تقریباً هشت سال پیش یا بیشتر، پیدا شد.

اما ایلات مزار در واقع کشف خود را در سال ۲۰۱۸ اعلام کرد. و به نظر می‌رسد که بیشتر نام اشعیا روی آن است. در مورد چگونگی تفسیر این موضوع سوالاتی وجود دارد، اما چیز جذابی است.

این یک سکه است، سکه‌ای که به طور خاص جالب است، چون تصویرش را نشان می‌دهد، توجه کنید که ما الان زبان متفاوتی نسبت به آنچه که قبلاً می‌دیدیم داریم، اودایا، یهودیه، قبطی. بنابراین این مشخصاً مربوط به بعد از تصرف یهودیه توسط رومی‌ها است. این تمام کاری است که قرار است در مورد آثار باستانی انجام دهیم.

شما تا حدودی با انواع چیزهایی که باستان‌شناسان به دنبال آن هستند، آشنا شده‌اید. بیابید کمی با روش‌های تحقیق آشنا شویم، و شاید بعد از آن به اولین موضوع داغمان برسیم. من در مورد بررسی‌های سطحی صحبت کرده‌ام، همانطور که در مورد تپه‌های باستانی فکر می‌کردیم و در مورد آنها صحبت می‌کردیم.

در واقع، نکته جالب این است که من وقتی داشتیم درباره اورشلیم و محله یهودی‌نشین اورشلیم صحبت می‌کردیم، به سال ۱۹۶۷ اشاره کردم. اما وقتی اسرائیلی‌ها نه تنها اورشلیم را پس از جنگ ۱۹۶۷ تصرف کردند بلکه آنچه را که کرانه باختری یا سرزمین اشغالی یا حکومت خودگردان فلسطین یا هر اسم دیگری که می‌خواهید روی آن بگذارید، نیز تصرف کردند. اما وقتی این اتفاق افتاد، تیم‌هایی از باستان‌شناسان و دانشجویان باستان‌شناسی به تمام این مناطق در کرانه باختری، تپه‌ها، رفتند و با کیسه‌های پلاستیکی گشتند و خرده سفال‌هایی را که پیدا می‌کردند، سفالینه‌ها، جمع‌آوری می‌کردند تا چه چیزی کشف کنیم؟ خب، می‌توانید انواع مختلف سفالگری را که نمایانگر این موضوع هستند، پیدا کنید.

این به شما کمک می‌کند تا تغییرات زمانی در طول این دوران را درک کنید. من فهرستی از انواع سفال و نحوه تغییر آنها را به شما ارائه نداده‌ام، اما این یکی از چیزهایی است که می‌توانید ببینید. می‌توانید ببینید چه چیزی در آن تکه‌های سفال نشان داده شده است یا چه چیزی نیست، جایی که ممکن است شکافی در یک سکونتگاه وجود داشته باشد.

این اولین نکته است. راه دوم انجام این مطالعه این است که اگر پول کافی دارید و احتمالاً با چندین موسسه همکاری می‌کنید و شاید یک سرمایه‌گذار خوب پیدا کنید، واقعاً حفاری انجام می‌دهید. روش‌های مختلفی برای حفاری وجود دارد.

وارد این بحث نمی‌شوم. سوال اصلی این است که به طور شهودی بفهمیم کجا باید کاوش کنیم. قبلاً گفتیم که تعداد بسیار کمی از این محوطه‌ها به طور کامل و جامع کاوش شده‌اند.

و همانطور که گفتم، برای فهمیدن اینکه کجا باید رفت، به مقدار مشخصی شهود نیاز است. داشتیم حرف آبراهام بیران را به یاد می‌آوردیم که می‌گفت هر حفاری، تخریب است. وقتی یک بار حفاری کردی، دیگر نمی‌توانی دوباره آن را حفاری کنی.

یکی از کاوش‌های کلاسیک و باید بگویم مخرب، کاوشی بود که در اوایل قرن بیستم توسط مردی به نام مک‌آلستر در گزر انجام شد، که همانطور که در گزارش‌ها می‌خوانید، عملاً چیزی شبیه به یک بولدوزر آورد و چیزهایی را جابه‌جا کرد. وقتی این کار را کرد، دوباره چیزها را به عقب هل داد. بنابراین این واقعاً مصداق این بود؛ هر کاوشی نوعی تخریب است.

علاوه بر این، فرد قرار است تا حد امکان روی قدمت‌گذاری سازه‌های بزرگی که پیدا می‌کند و آن قطعات کوچک‌تر مصنوعات که در موردشان صحبت کردیم، کار کند. برای انجام این کار، باید بررسی کنید که چگونه این لایه‌های چینه‌شناسی، آنچه را که پیدا می‌شود منعکس می‌کنند. و اگرچه، همانطور که گفتم، قرار نیست به آن پردازیم، اما صحبت در مورد سرامیک، چگونگی تغییر سفال و آنچه که در طول زمان منعکس می‌شود، به یک سخنرانی کامل نیاز دارد.

پتری سر فیلاندر، مرد جذابی در اوایل قرن بیستم، از نظر درک وجود الگوها و تغییراتی در این الگوها که به ما، در بررسی توسعه سفالگری و گاهشماری پشت آن کمک می‌کرد، شخصیت برجسته‌ای بود. و سپس، اخیراً اینجا جایی است که دوباره تعریف بیل دیور از مطالعه علمی واقعاً وارد می‌شود، زیرا اکنون انجام

باستان‌شناسی شامل انواع تجزیه و تحلیل‌های آزمایشگاهی نیز می‌شود. گرده، خاک رس، استخوان‌ها، بقایای آلی و فلزات همگی به آزمایشگاه برده می‌شوند، یا در برخی موارد، آزمایشگاه به محل کشف آورده می‌شود.

این یک مرور کلی بسیار سریع از روش‌ها و ابزارهای مطالعه مرتبط بود. من می‌خواهم حداقل به موضوع داغ شماره یک خود پردازم. آیا ما با درک و برجسب زدن کل این مطالعه به عنوان باستان‌شناسی کتاب مقدس پیش می‌رویم؟ این کاری است که آلبرایت انجام داد.

در واقع، او شخصیت بسیار مهمی بود زیرا با یک کتاب مقدس در یک دست و آثار باستانی در دست دیگر، باستان‌شناسی می‌کرد. بسیار مفید بود، اما همانطور که بسیاری از مردم در نگاه به گذشته شروع به گفتن کردند، ممکن است تفسیر بقایای باستان‌شناسی بیش از حد به متن کتاب مقدس وابسته باشد تا اینکه آنها را در کنار هم نگه دارد. ویلیام دیور، نامی که چندین بار از او نام برده‌ام، یک باستان‌شناس بسیار مهم، پشت این اقدام برای پیشنهاد نامگذاری متفاوت بود.

و این یعنی، بیایید آن را باستان‌شناسی کتاب مقدسی بنامیم. بیایید بپذیریم که با یک یا چند فرهنگ جغرافیایی و ژئوپلیتیکی وسیع‌تر و گسترده‌تر سروکار داریم، و بنابراین به باستان‌شناسی فلسطینی فکر کنیم. بنابراین، در اینجا فقط چند نکته وجود دارد که می‌خواهیم در مورد آنها بگوییم.

من قبلاً هم به این موضوع اشاره کرده‌ام، اما فقط برای اینکه خودمان را در مسیر درست قرار دهیم. ضمناً انجام باستان‌شناسی کتاب مقدس یک تلاش بسیار مهم است و من مطمئناً سعی ندارم با مطرح کردن این موضوع داغ، آن را کم‌اهمیت جلوه دهم، زیرا فرض می‌کنم کتاب مقدس منبع خوبی برای مطالعه تاریخ اسرائیل باستان ارائه می‌دهد. اگر کمی وقت داشته باشیم، این یک رابط مهم خواهد بود زیرا به موضوع داغ دوم خواهیم پرداخت.

در هر صورت، باستان‌شناسی در خدمت تأیید تاریخ کتاب مقدس است، با این فرض که تاریخ کتاب مقدس در واقع منعکس کننده تاریخ اسرائیل باستان است. برای انجام این کار، تأیید عمده روایت‌های کتاب مقدس، به ویژه از نظر تحولات سیاسی، سلطنت‌ها، تغییر در مبارزات قدرت و غیره وجود دارد. تأیید این موضوع، ببخشید، مرتبط کردن آن با یافته‌های باستان‌شناسی است.

آلبرایت در واقع ادعا کرد که باستان‌شناسی کتاب مقدس باید تمام زمینه‌های خاور نزدیک باستان را در بر بگیرد، بنابراین او به هیچ وجه این موضوع را نادیده نمی‌گرفت. فکر نکنید که او صرفاً به معنای محدود بر سرزمین کتاب مقدس متمرکز بود. در صورتی که به نام‌ها علاقه‌مند هستید، نلسون گلاک، یادین و آبراهام، بیران، همه این افراد بسیار مهمی بودند که در این تلاش که ما آن را باستان‌شناسی کتاب مقدس می‌نامیم، مشارکت داشتند.

هنوز هم منبع بسیار مفیدی برای بررسی برخی از Biblical Archaeology Review و البته، مجله محبوب Biblical Archaeology Review این موارد است. آنها نیز از این سوال که آیا نام خود را تغییر دهند یا خیر، عبور کردند و همچنان به پایبند ماندند. به عنوان نوعی همتای آن، در اینجا طرحی اجمالی از نحوه تفکر Biblical Archaeology Review باستان‌شناسان سوری-فلسطینی ارائه شده است.

جدا کردن عمده باستان‌شناسی از مطالعات کتاب مقدس، نه برای اینکه آنها را برای همیشه از هم جدا نگه دارد، بلکه برای ایجاد گفتگو بین دو رشته به جای اینکه باستان‌شناسی، اگر بخواهید، ندیمه مطالعات کتاب مقدس باشد. ادعا می‌شد که فراگیرتر است، و این به معنای آن بود که در بسیاری از موارد، تأکید زیادی بر اشیاء برنزی اولیه نیز می‌شد. اکنون، برنز اولیه مهم است.

ما، به ویژه وقتی به برخی از مناطق کشور می‌رسیم، خواهیم دید که چرا بررسی آثار برنز اولیه تا این حد مهم است. و همچنین، همانطور که می‌بینید، با ورود به دوره اسلامی و پیامدهای آن و یک دامنه جغرافیایی وسیع‌تر، این موضوع را به طور خلاصه بیان می‌کنیم.

تأکید کمتر بر اینکه چگونه باستان‌شناسی متن کتاب مقدس را تأیید می‌کند، تأکید بیشتر بر فرهنگ‌های باستانی خاور نزدیک. فقط با اذعان به اینکه ما این دو روش تفکر متفاوت در مورد چگونگی انجام باستان‌شناسی داریم، وقت داریم حداقل یک مرور سریع و اجمالی بر مینیمالیسم تاریخی داشته باشیم.

من قصد دارم در یک لحظه به تعریف آن کمک کنم. من می‌گویم که اصطلاح مینیمالیسم توسط، خب، افراد خارجی که به دنبال روش خاصی برای برخورد با روایت‌های تاریخی کتاب مقدس هستند، استفاده می‌شود. افرادی که به این روش، تاریخ کتاب مقدس، می‌پردازند، عمداً نام مینیمالیسم را دوست ندارند.

پس فقط این را در نظر داشته باشید. ما نام‌های مهمی در این زمینه داریم. خیلی‌های دیگر هم هستند.

افراد زیاد دیگری هم هستند، اما احتمالاً اینها کسانی هستند که از همان ابتدا برای خودشان اسم و رسمی دست و پا کرده‌اند، مخصوصاً توماس تامپسون. خلاصه ماجرا این است، و این موضوع مهم خواهد بود زیرا با کاری که باستان‌شناسان انجام می‌دهند، بسیار مرتبط خواهد بود. اختلاف نظر، و این یک اختلاف نظر است.

ماهیت روایت‌های کتاب مقدس درباره تاریخ اسرائیل چیست؟ ماهیت روایت‌های کتاب مقدس که ادعا می‌کنند درباره تاریخ اسرائیل صحبت می‌کنند چیست؟ آیا این تصویر دقیقی از ظهور ملت اسرائیل از فتح و اسکان تا دوره سلطنت است؟ آن دسته از ما که کتاب مقدس را می‌خوانیم و تاریخ اسرائیل را تدریس کرده‌ایم یا تاریخ اسرائیل را مطالعه کرده‌ایم، خواهیم گفت، بله، همینطور است، اما یک مکتب کامل وجود دارد که می‌گوید نه. سوال دوم این است که آیا این یک ساختار الهیاتی ایده‌آل با دستور کاری است که در دوره، پارسیان، که پس از تبعید است، نوشته شده است؟ بنابراین این اختلاف نظر است. اگر مورد دوم باشد طبق گفته این محققان و دیگران که به صفوف آنها می‌پیوندند، و تعداد قابل توجهی از آنها وجود دارد، اتفاقاً توماس تامپسون چهره مهمی بود که از دهه 1970 با پیشنهادات خود شروع به کار کرد.

اگر واقعاً مورد دوم باشد، به عنوان یک منبع تاریخی بی‌فایده است، به خصوص از نظر یک سلطنت متحد، به خصوص از نظر یک سلطنت متحد. آن شخص به طور خاص داوود سلیمان خواهد بود. بنابراین این بخشی از مسئله ماست.

در اینجا، در رابطه با آن، گاهشماری بالا در مقابل پایین وجود دارد، زیرا می‌بینید، اگر مینیمالیست‌های ما گفته‌اند که قرن دهم را نمی‌توان به تفصیل شرح داد یا، ببخشید، ما نمی‌توانیم از متن کتاب مقدس در مورد قرن دهم مطلع شویم، این داوود و سلیمان هستند. این یک سلطنت متحد است. و بنابراین کاری که ما با تاریخ‌گذاری برخی از این یافته‌ها انجام می‌دهیم، کاملاً به این بستگی دارد که آیا مثلاً آن دروازه در هازور را به آن نسبت می‌دهیم یا خیر.

من آنجا یک علامت سوال سلیمانی داشتم. پس کاری که ما با آن انجام می‌دهیم تعیین می‌کند که آیا می‌خواهیم به آن روایت‌ها جنبه تاریخی بدهیم یا نه. در اینجا ارقام ما از نظر گاهشماری بالا آمده است.

بله، متن کتاب مقدس ما اصالت تاریخی دارد. این اسرائیل فینکلشتاین است که قرار است یک فرد با گاهشماری سطح پایین باشد. او تمام این سازه‌ها، سازه‌های اصلی، مثال‌ها، دروازه‌های جازر، مجدو، حاصور را یک قرن بعد تاریخ‌گذاری می‌کند و می‌گوید سلیمان مسئول آنها نبوده است.

اوه نه، این تنها سلسله‌ای بود که آنها را انجام داد. بیایید اول انجام دهیم، و من می‌توانم این‌ها را نسبتاً سریع انجام دهم، مواضع مینیمالیستی. قبلاً این را گفتم، هیچ سازه معماری یادبودی از قرن دهم وجود ندارد.

خلاصه کلام. اورشلیم تمرکز اصلی اینجا است، اما موارد دیگری هم وجود دارد. هیچ مدرکی دال بر سلطنت متمرکز، هیچ تاریخ منسجمی وجود ندارد.

فرم ادبی تصویری از گذشته خلق می‌کند. این پیتر لمکه است. ادعای دوم، پس همه ساختارهای مهم داوود یا به ویژه سلیمان نیستند.

آنها از یک قرن بعد، قرن نهم، به ویژه در دوران سلسله عمری آمده‌اند. اورشلیم تا پس از تخریب لاکیش در سال ۷۰۱ به یک شهر بزرگ تبدیل نشد و سپس، من قبلاً به این موضوع اشاره کرده‌ام، داوود و سلیمان اسطوره هستند. عنوان کتاب توماس تامپسون «گذشته اسطوره‌ای» است، بنابراین شما می‌دانید که این موضوع به کجا ختم می‌شود.

خب، متأسفانه برای آن موقعیت خاص، مردی که عکسش را چند اسلاید پیش دیدید، آوراهاام بیران، که در حال کاوش تل دان بود، این کار را بیش از هر باستان‌شناس دیگری در تاریخ اسرائیل انجام داده است. آوراهاام بیران، به عنوان بخشی از کل فرآیند کاوش، کتیبه تل دان را پیدا کرد. در سال ۱۹۹۳، بخش عمده آن پیدا شد. در سال ۱۹۹۴، بخش دیگری از آن نیز پیدا شد، و در اینجا در آن بیضی، میخ اصلی را بر تابوت یکی از استدلال‌های اصلی مینیمالیست‌ها می‌بینید، زیرا آنها گفتند، حدس بزنید چه؟ داوود و سلیمان اسطوره‌ای هستند.

حدس بزنید چی شده؟ کتیبه تل دان اینجا می‌گوید، خانه داوود، بیت داوود. خب، بفرمایید، بزرگترین قطعه و ضمناً، این واقعیت که در استفاده ثانویه پیدا شده، به عبارت دیگر، در دیواری در منطقه دروازه، ۱۹۹۳، شهر دوباره استفاده شده، می‌گوید که این یک اثر جعلی نیست. آنها آن را پوشیده از آوار یافتند، بنابراین آنطور که برخی ادعا می‌کردند، جعلی نیست.

دو قطعه دیگر، قطعات کوچکتر، بعداً پیدا شدند. به زبان آرامی است و اساساً آنچه شما دارید این است که پادشاه آرام سوریه، احتمالاً هدزا ال، می‌گوید، و من قبلاً این را خوانده‌ام، من یهورام، احتمالاً پسر اخاب پادشاه اسرائیل، و اخزیا از خاندان داوود را کشتم، و این اشاره به خاندان داوود است که در آن منطقه بسیار حیاتی است. من خیلی سریع از اینها عبور می‌کنم زیرا اینجا کمی پیچیده می‌شود.

متن به پادشاه اسرائیل اشاره دارد، این مهم است. خاندان داوود، اگر چیزی غیر از مخالفت با خاندان اسرائیل باشد، چه کسی خواهد بود؟ به وضوح می‌گوید خاندان داوود. حال، برخی از مینیمالیست‌های ما این را چیز دیگری می‌خوانند، مانند خاندان معشوق یا خاندان آدود، یک کتری، اما احتمالاً اینطور نیست زیرا پادشاه سوریه ادعا می‌کند که این افراد را کشته است، بنابراین احتمالاً شما خاندان معشوق یا خاندان کتری را نمی‌کشید، به احتمال زیاد.

جالب اینجاست که در فرهنگ گسترده‌تری که ما آنجا داریم، از خاندان تعدادی از مردم نام برده می‌شود بنابراین کاملاً قابل درک است که کتیبه‌ای که از سوریه بیرون می‌آید، از همین قالب برای اشاره به این پادشاهی کوچک خاص، خاندان داوود، استفاده کند. خب، به هر حال، در مورد مسائل تفسیری همینقدر کافی است. من قصد دارم دو کار دیگر انجام دهم و سپس برای امروز توقف می‌کنیم.

این مینیمالیست‌ها همچنین باید با این واقعیت کنار بیایند که، حدس بزنید چه شد؟ اورشلیم در متون آمارنا که ما هنگام تهیه‌ی پیش‌زمینه‌ی متن قبلی برای جغرافیای تاریخی به آن اشاره کردیم، به عنوان شهری نسبتاً مهم ظاهر می‌شود. آن‌ها همچنین باید با این موضوع کنار بیایند که اورشلیم دارای یک بنای یادبود است، بنایی بسیار مهم. عکس‌ها به زودی منتشر می‌شوند.

آنها همچنین باید با یک سنگ یادبود مرئیه که قدمت آن به قبل از سلسله‌ها، یعنی بریتانیا، برمی‌گردد مقابله کنند، اما در آن از اسرائیل به عنوان مکانی در آن سرزمین یاد شده است، زیرا می‌بینید، فقط برای اینکه از نظر گاهشماری به عقب برگردیم، اگر داوود و سلیمان افسانه باشند، پس هر چیزی قبل از آن نیز در ذهن مینیمالیست‌ها افسانه است، و با این حال، اینجا یک سنگ ایستاده مصری از شخصی به نام مرئیه، یک فرعون، دارید که می‌گوید، او، من در کنعان و اشکلون و جازر این کار را کردم، و می‌دانید که من هم در اسرائیل قدیم هستم، در واقع. اینجا این سازه عظیم است، و شما به آن نگاه می‌کنید و می‌گویید، واقعاً؟ خب، حالا دیدن آن سخت است زیرا یک سکو روی آن ساخته شده است. چیزهای فلزی وجود دارد، و شما در واقع اینجا می‌ایستید، و یک کارگر آنجاست، اما اینجا الی مزار است.

او آنجاست، درست آنجا. او باستان‌شناس ارشد ماست که روی این کار می‌کند، قبل از اینکه این سازه‌ی عظیم روی آن ساخته شود، و شما ردپای این چیز را به عنوان یک چیز نسبتاً قابل توجه می‌بینید. باز هم، این کل ردپای یک سازه‌ی بسیار مهم در شهر داوود است، جایی که متوجه می‌شویم داوود کاخ خود را ساخته است.

منطقی است. ما بعداً به اورشلیم خواهیم پرداخت. علاوه بر این، شما همچنین باید بدانید که این یافته‌ها نباید اینجا باشند زیرا این به آن دو اثر مهر اشاره دارد که قبلاً به آنها اشاره کردم.

من آنها را به آن بخش از ارائه‌مان منتقل کردم، اما آنها همین جا پیدا می‌شوند. اینجا کوه معبد ماست. یکی دیگر.

وقتی گفتیم مینیمالیست‌ها باید با یافته‌های اورشلیم دست و پنجه نرم کنند، باید با یک مکان کوچک بسیار جالب هم همین جا دست و پنجه نرم کنند. اورشلیم در همین منطقه است، و همین جاست که کشف شده یک دیوار عظیم دارد.

دو دروازه دارد. بعداً وقتی در مورد خود این منطقه صحبت می‌کنیم، به این مکان برمی‌گردیم، اما چیزهایی دارد که بسیار نشان‌دهنده یک مکان بزرگ و احتمالاً نمایانگر یک دولت متمرکز مهم است. قدمت آن را تخمین زده‌اند و به حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد.

بنابراین، بسته به اینکه چطور همه این‌ها را عملی کنید، به نظر می‌رسد که ما چیزی غیر از آنچه مینیمالیست‌ها و افراد با گاهشماری پایین ما می‌گویند، داریم. ما یک داوود و سلیمان داریم که در اورشلیم زندگی می‌کنند، که به نظر می‌رسد منطقه نسبتاً قابل توجهی را کنترل می‌کنند. حالا شما به این نگاه می‌کنید، و توپوگرافی مهمی را می‌بینید.

در سخنرانی بعدی به این موضوع خواهیم پرداخت. فعلاً به باستان‌شناسی بسنده می‌کنیم و به جغرافیای خاورمیانه به طور گسترده‌تر می‌پردازیم و سپس به چگونگی تأثیر زمین‌شناسی و توپوگرافی بر جغرافیا می‌پردازیم. فعلاً همین کافی است.

من دکتر الین فیلیپس و تدریس او در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس هستم. این جلسه دوم، تمرکز بر باستان‌شناسی است.

